

راهبردهای جهانی سازی اسلام با تأکید بر آیه ۱۲۳ سوره براءت*

محسن فریادرس^۱

علی حاجی خانی^۲

محمدصادق یوسفی مقدم^۳

چکیده

در نصوص اسلامی، سنت‌های زیادی برای ایجاد و استمرار نظامات اجتماعی ارائه شده که مهم‌ترین آن‌ها، اسلامی شدن جهان و پیروزی اندیشه و ارزش‌های ناب الهی بر هر نوع تفکر التقاطی، انحرافی و مادی است. آیه ۱۲۳ سوره براءت، ایده بسیار عمیق و ارزشمندی را برای پیشروی مسلمانان به سوی جامعه جهانی اسلامی و دستیابی به آن بیان کرده که غالباً قرآن‌پژوهان نسبت به جوانب مختلف آن بی‌توجه بوده و یا تفاسیر نادرستی از آن ارائه داده‌اند و در این میان، برخی نیز با دقت نظر، جوانب مختلف آن را بررسی و تحلیل نموده‌اند. پژوهش حاضر با روش تحلیل کیفی و توصیفی محتوا در ارزیابی داده‌ها، در صدد تبیین و واکاوی راهبردهای مختلف این آیه برای جهانی کردن اسلام برآمده است. برآیند این مقاله آن شد که ایده آیه ۱۲۳ سوره براءت برای انتشار حداکثری اسلام این است که جامعه اسلامی بایستی با مقاومت در برابر دشمنان، ابتدا در عرصه فرهنگی خود را تقویت نموده، سپس در موقعیت مناسب و با رعایت مصالح امت اسلامی، با حکومت‌های کافر معاند هم‌مرز مبارزه کرده و در نهایت با «انعطاف‌ناپذیری»، هرگونه اثرپذیری فرهنگی از فرهنگ کفر را از خود دفع کند.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، جهانی سازی اسلام، کافران معاند هم‌مرز، مقاومت، قتال، تقوا، معیت ویژه الهی.

* تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۰۳/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۵ (مقاله پژوهشی)

۱. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس تهران/ m.faryadres@modares.ac.ir

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس تهران (نویسنده مسئول)/ ali.hajikhani@modares.ac.ir

۳. دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی/ yousefimoqaddam@isca.ac.ir

۱ - مقدمه

سنت‌های الهی، مجموعه قوانینی هستند که خدای متعال بر اساس آن‌ها جهان را اداره می‌کند. در نصوص اسلامی سنت‌های زیادی وجود دارد که محققان و دانشمندان علوم اسلامی، به مطالعه و تحقیق ابعاد گوناگون آنها پرداخته‌اند. خصوصیت برجسته این قوانین آن است که گرچه در بزنگاه‌های مختلف درگیر تفاسیر گوناگون و حتی متضادی شده‌اند؛ اما منطبق قرآن در آیه ﴿فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَا لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا﴾ (فاطر: ۴۳/۳۵) و شواهد قطعی تاریخی حاکی از غیر قابل «تبدیل» و «تغییر» بودن آن‌ها دارد (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۵۸ / مطهری، ۱۳۸۴، ج ۷، صص ۱۱۳-۱۱۱ / صدر، ۱۳۸۱، صص ۳۳-۳۴).

از جمله این سنت‌ها، پیروزی اسلام بر جهان کفر و نفاق و زمین‌گیر کردن فرهنگ مادی است که در آیه ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ (برائت: ۳۳/۹؛ فتح: ۲۸/۴۸؛ صف: ۹/۶۱) و آیه ﴿وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا﴾ (فتح: ۲۲/۴۸) بدان تصریح شده است. از این آیات چنین برداشت می‌شود که این جهان به طور قطع و به صورت تمام و کمال، صبغه الهی خواهد گرفت و جبهه کفر با تمام قدرت و امکاناتش، شکست خورده و زمین‌گیر می‌شود. در همین راستا، امام خمینی (ره) نیز راهبرد کلان انقلاب اسلامی را چنین ترسیم می‌نماید: «ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌المللی اسلامی مان بارها اعلام نموده‌ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم‌کردن سلطه جهان‌خواران بوده و هستیم... ما درصدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیسم، سرمایه‌داری و کمونیسم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته‌ایم، به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظام‌هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده‌اند، نابود کنیم و نظام اسلام رسول الله (ص) را در جهان استکبار ترویج نماییم و دیر یا زود، ملت‌های در بند، شاهد آن خواهند بود» (خمینی، بی‌تا، ج ۲۱، ص ۸۱).

بدیهی است که برای عملیاتی شدن هر قانونی، باید زمینه آن را فراهم کرد تا قانون طبیعی کار خودش را انجام دهد. لذا برای جهانی کردن اسلام نیز مسلمانان باید با التزام به مقدمات آن، به تحقق و اجراسازی این مهم کمک نمایند؛ اما سؤال مهم این است که ایده قرآن برای جهان‌گیر شدن اسلام چیست و دارای چه ابعادی است؟ اساساً در قرآن کریم ایده‌های مختلفی برای رویارویی با دشمن ذکر شده که دو مورد آن در آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾ (برائت: ۱۲۳/۹): «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، با کافرانی که هم‌جوار شما هستند پیکار کنید و باید در شما صلابت و سرسختی بیابند و بدانید که خدا با تقواییان است و آنان را یاری می‌کند» ذکر شده است. مفسران در بیان تفسیر این آیه، از جهات مختلفی دچار ضعف تفسیر شده‌اند؛ به این صورت که برخی تفسیر قتال را به جهاد دفاعی بیان کرده، بعضی مراد از کفار هم‌جوار را مسلمانان دارای عقیده متفاوت اعلان کرده، غالباً تفسیر پیدایی غلظت در برابر کفار را مربوط به همین قتال ذکر کرده و اکثراً نیز ارتباط منطقی بین فقره پایانی مبنی بر معیت خدای متعال با متقیان با دیگر بخش‌های آیه ذکر نکرده‌اند. در این بین، برخی از مفسران نظیر آیت‌الله خامنه‌ای، در کتاب بیان قرآن (تفسیر سوره برائت)، با تفسیری عمیق و بدیع، جوانب این آیه را در راستای هدف مذکور مورد بررسی قرار داده و در پایان چنین نتیجه می‌گیرد که این آیه به دلیل

اشتمال بر حکمی بزرگ (دستور به جهانی‌کردن اسلام توسط مؤمنان)، از پرعمق‌ترین و پرمعناترین آیاتی است که در سوره برائت می‌توان معرفی نمود (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۷۵۱). در همین راستا، پژوهش حاضر نیز با تقسیم مقاله به دو بخش، در صدد برآمده این ایده و ابعاد مختلف آن را مورد تحلیل و واکاوی قرار دهد که در این بین، نقطه عطف آن، قسمت دوم مقاله است که اولاً، حکم زیربنای بخش نخست را داشته و ثانیاً، در جهت تقویت گفتمان مقاومت، متناسب با ادبیات روز ارزیابی می‌شود. از این رو، سؤالات زیر در پژوهش حاضر دنبال خواهد شد:

- ایده‌های قرآن در آیه ۱۲۳ سوره برائت برای جهانی‌سازی اسلام چیست و چگونه می‌توان آن‌ها را پیاده‌سازی کرد؟

- این ایده‌ها دارای چه ابعادی بوده و چه گستره‌ای را تحت پوشش قرار می‌دهند؟
در باره پیشینه تحقیق باید توجه داشت که این آیه با توجه به اینکه به صورت صریح دستور به قتال با کفار هم‌مرز را صادر کرده، از جهات مختلف کانون توجه در فضای مجازی است و این توجهات با عنایت به عملکرد سلفیان مبارزی مانند داعش و اسلام‌هراسی‌ها و با تمرکز بر شبهه‌پراکنی و پاسخ به آن، بسیار بیشتر شده است. در کنار این، دو اثر پژوهشی مستقل نیز وجود دارد که عبارتند از:

الف) جزوه «شکوه مؤمنان، کوری چشم کافران، تفسیر آیه ۱۲۳ سوره برائت» از سید محمد ضیاءآبادی، انتشارات بهاران تهران. مؤلف در این تحقیق با تفکیک اجزای مختلف آیه، به تفسیر آیه از جهاتی نظیر ضرورت التزام به قاعده «الأقرب فالأقرب» در قتال، تبیین انواع غلظت و... پرداخته و دستاورد آن را با لحاظ برخی بازنگری‌ها و به ضمیمه بیان دیگر آیات سوره برائت، در کتابی تحت عنوان «تفسیر سوره توبه» ذکر کرده است. از این جهت، این کتاب نه تنها با رویکرد مقاله حاضر متفاوت است؛ بلکه اساساً دارای برداشتهای متفاوتی نیز هستند؛ در مقاله حاضر بحث انتشار حداکثری اسلام با تمرکز بر دو محور است؛ لکن در نوشتار یاد شده، چنین نیست.

ب) مقاله «بررسی دیدگاه سلفیه جهادی در مسأله عدو قریب (حاکمان ممالک اسلامی)، با تأکید بر آیه ۱۲۳ سوره توبه» از علی‌اکبر لطفی و مهدی فرمانیان، مجله سلفی‌پژوهی، شماره ۶، صص ۹۹-۱۱۴. محققان در این مقاله با طرح برداشت خاص و ناصواب سلفی‌ها از این آیه، به بررسی و نقد آن پرداخته‌اند که به طور مستقیم با بیان مقاله حاضر ارتباط ندارد.

افزون بر این، هرچند تعدادی یادداشت تحلیلی نیز در خصوص «غلظت» در فضای مجازی یافت شد؛ اما با تفحص صورت گرفته، اثر پژوهشی مستقلی در این خصوص مشاهده نشد. با این وجود، در برخی از مقالات به طور غیر مستقیم به این موضوع پرداخته شده که عبارتند از:

الف) مقاله «معناشناسی خشونت» از محمدرضا هزوه‌ای، مجله مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۳، ۱۳۸۳، صص ۱۳-۴۰.

ب) مقاله «روش مواجهه و برخورد با نفاق» از حسین همایون مصباح، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره ۹۲، ۱۳۹۰، صص ۱۶۳-۱۸۲.

ج) مقاله «خشونت و مدارا» از علی‌اکبر رشاد، مجله کتاب نقد، شماره ۱۴-۱۵، ۱۳۷۹، صص ۳۸۶-

بنابراین با عنایت به نگاه و برداشت نو و متمایز پژوهش حاضر و وفاداری به نتایج سودمند آثار پیشین و بهره‌وری از آن‌ها، ضرورت انجام این تحقیق به قوت خود باقی است.

۲- مفهوم شناسی

در زیر دو مفهوم کلیدی که نیازمند تبیین هستند، تعریف می‌شود:

الف) راهبرد: برای «راهبرد» تعاریف متعددی ارائه شده که هر یک دارای ضعف‌هایی هستند، اما در این میان، فصل مشترک اکثر آن‌ها از «بودن» تا «شدن» یک بایسته بر اساس الگویی مناسب و پویا است که از این حلقه اتصال، به راهبرد یا استراتژی یاد می‌شود. از این جهت، به قواعد کلان و فراگیر تصمیم‌سازی که حاصل هنر و چاره‌سازی‌های زیرکانه برای آینده‌نگاری هستند و در هر مقطعی از آینده به کار می‌آیند، راهبرد می‌گویند (خسروپناه و همکاران، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۶۳۰).

ب) جهانی‌سازی اسلام: مراد از جهانی کردن اسلام نیز این است که مسلمانان تمام تلاش خود را به کار ببندند تا با گفتار و رفتار توحیدی و ارزش‌های حقیقی را بر ارزش‌های مادی حاکم بر جهان پیروز کنند و وعده خدای متعال مبنی بر ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ (برائت: ۳۳/۹؛ فتح: ۲۸/۴۸؛ صف: ۹/۶۱) را محقق سازند.

۳- راهکارهای جهانی کردن اسلام

در منطق قرآن کریم، عمدتاً چهار شیوه برای جهانی کردن اسلام وجود دارد که به صورت مختصر عبارتند از:

الف) دعوت: این شیوه با تأمل در آیاتی نظیر ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (نحل: ۱۶/۱۲۵) استفاده می‌شود که از مفاد آن چنین برداشت می‌شود که مسلمانان با پیروی از حکمت، موعظه و جدال احسن در گفت‌وگوها (و نه مذاکره مصطلح امروزی)، جهان‌بینی خود را بر نگرش‌های غیر الهی غلبه دهند. مسلماً، اساس کار انبیا نیز همین ظهور و غلبه علمی است که با برهان و حجّت همراه بوده که باعث روشن شدن حقانیت اسلام می‌شود (جوادی‌آملی، ۱۲/۲۷/۱۳۹۶).

ب) مقاومت: این طریقه از آیاتی نظیر ﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مِنْ تَابِ مَعَكَ وَ لَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (هود: ۱۱۲/۱۱) بدست می‌آید و مراد از آن‌ها این است که مسلمانان در شرایطی که امکان هیچ‌گونه فعالیت برای تبلیغ دین را ندارند، بر جهان‌بینی و اندیشه توحیدی خود استقامت داشته باشند و از آن منحرف یا روی‌گردان نشوند.

ج) نرمش قهرمانانه: این اصطلاح گرچه در قرآن بکار نرفته است، اما با عنایت به اینکه منظور از آن مانور هنرمندانه برای دست یافتن به مقصود و رساندن جامعه به نقطه تعالی و اوج است (خامنه‌ای، ۲۹/۰۸/۱۳۹۲) و در ادبیات دینی، در برخی مواقع از آن به صلح با کفار به جهت برخی مصالح تعبیر می‌شود، از آیاتی نظیر ﴿وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (انفال: ۸/۶۱)

قابل پی‌جویی است که تأکید بر برقراری صلح با کافرانی دارد که تمایل به صلح دارند.

د) جهاد: جهاد که اقسام مختلفی دارد و هر یک به طریقی در این مسیر یاری‌دهنده هستند، از درنگ در آیات مختلفی از جمله آیه ﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ﴾ (نساء: ۷۵/۴) قابل دریافت است که خدای متعال در آن با بیان واژه قتال به صورت مضارع، به مؤمنان دستور «مبارزه همیشگی» با دولت‌های کافر معاند را برای آزادی مستضعفان داده تا آن‌ها بتوانند نور هدایت را دریافت نمایند.

مسلماً گزینش هر یک از این راهکارها، بستگی به این دارد که چه شرایطی بر جامعه اسلامی حاکم است؛ از این‌رو شایان ذکر است که پژوهش حاضر، به معنای محدود کردن شیوه‌های جهانی‌کردن اسلام به یک یا دو امر نیست؛ بلکه درصدد تبیین و تحلیل راهکارهای جهانی‌شدن اسلام بر اساس آیه ۱۲۳ سوره براءت است

۴- راهبردهای جهانی‌کردن اسلام؛ با استناد به آیه ۱۲۳ سوره براءت

بر اساس آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً﴾، خدای متعال دو راهبرد را برای جهانی‌شدن اسلام بیان نموده که تبیین و تحلیل آن‌ها به قرار زیر است:

۴-۱- جهاد ابتدایی با دولت‌های کافر هم‌مرز جامعه اسلامی

بر اساس آیه ۱۲۳ سوره براءت، امت اسلامی موظف است که در موقعیت مناسب برای پیشبرد ایده حکیمانه و دقیق دین خود، با کفار هم‌مرز جامعه اسلامی وارد قتال شوند. در این خصوص، دو مسأله مهم جلوه می‌نماید: اول فضای نزول آیه و تطبیق آن بر عصر حاضر و دوم، بحث قتال با کفار هم‌مرز با جامعه اسلامی.

درباره مورد اول باید توجه داشت که پس از آنکه رسول الله (ص) قوم خود و اعراب را به دین اسلام فراخواندند و مردم جزیره‌العرب به اسلام گرویدند، در اواخر عمر مبارک خود به دعوت دیگر ممالک اهتمام ورزیدند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۱، ص ۵۲ / رشید رضا، ۱۴۱۴، ج ۱۱، صص ۸۰-۸۱). برای این منظور، آن حضرت با فرستادن مبلّغ به شام به عنوان نزدیکترین سرزمین به دارالاسلام، این امر را در خصوص رومیان دنبال کردند؛ لکن حاکم آن منطقه دستور داد که فرستاده رسول‌الله (ص) را به قتل برسانند که این امر منجر به بروز برخی رخدادها شد (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۲، صص ۷۵۵-۷۵۶). پس از این مسائل، خدای متعال با نزول آیه ۱۲۳ سوره براءت به عناصر مؤمن حاضر در جامعه اسلامی دستور داد تا بر اساس قاعده «الأقرب فالأقرب»، با این کفار که از لحاظ جغرافیایی در نزدیک‌ترین سرزمین به عراق مسلمان می‌زیستند، به مقابله بپردازند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۱، ص ۵۲ / فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱۶، صص ۱۷۳-۱۷۲ / ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۲۳۰ / طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۲۷ / جوادی‌آملی، ۱۳۹۴، ج ۳۵، صص ۵۳۱-۵۳۲). چنانچه روشن است اولاً، بحث در این مورد، مربوط به دو سرزمین است که دارای مرز مشترک با یکدیگر هستند؛ ثانیاً، به قرینه آیه ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ﴾ (ممتحنه: ۸/۶۰)، قتال مربوط به همه کفار نیست؛ بلکه آن دسته از کفار منظور است که

مانع از رسیدن حقیقت به مردم می‌شوند که در صدر اسلام و در زمان نزول این آیه، کفار روم بودند. بر این اساس و از باب جری و تطبیق، منطقی‌ترین مصداق در زمان حاضر برای سرزمین اسلامی، برخی از دولت‌های ظالم حاکم بر مناطق اسلامی و برای سلاطین کافر، دولت‌های کافری هستند که مانع از رسیدن نور هدایت به مردم کشور خود می‌شوند.

با این تفاسیر، برداشت برخی سلفیان از این آیه مبنی بر اینکه مراد خدای متعال از کفار هم‌جوار، حاکمان اسلامی است (عبدالسلام فرج، ۱۹۸۱، صص ۲۸-۲۷)، نادرست خواهد بود؛ چراکه اسلام اصول بنیادینی دارد که رد آن‌ها ملاک کفر محسوب می‌شوند و اساساً، مخالفت صرف در مسأله‌ای دیگر، به معنای ارتداد نیست تا لازمه آن کفر باشد و حتی اگر کسی به ظاهر آن‌ها را بر زبان جاری نمود، در حالی که عمیقاً بدان باور نداشت، کافر محسوب نمی‌شود و در بدترین حالت، منافق خواهد بود که خدای متعال راهکارهای غیر نظامی برای مقابله با آن‌ها اعلان نموده که یکی از آن‌ها بنابر آیه ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ﴾ (توبه: ۷۳/۹؛ تحریم: ۹/۶۶) جهاد علمی است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۷۷)؛ همچنین به فرض کفر حکام اسلامی، از یک سو باید معاند بودن آن‌ها اثبات شود که اگر عنادی وجود نداشته باشد، طبیعتاً قتال با آن‌ها هم نادرست است و از سوی دیگر، به قرینه آیه ﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا﴾ (مائده: ۸۲/۵)، اولویت، مبارزه با آن دسته از کفاری است که خطرناک‌ترند که در زمان حاضر، مستکبران هستند (لطفی و همکارن، ۱۳۹۶، صص ۱۰۸-۱۰۹). افزون بر این، فهم صرف آیه بدون توجه به فضای نزول آن، مصداق تفسیر به رأی بوده که امری مذموم و غیرقابل قبول است. در نهایت، آیه مترصد بیان جهاد مؤمنان با دولت‌های کافر از اهل کتابی است که معاند هستند.

درباره مسأله دوم هم گفتنی است که ریشه قتال که با ساختارهای مختلفی در آیات قرآن به کار رفته، تنها در باب مفاعله با ۶۷ بار و افتعال با چهار مرتبه کاربرد مرتبط به بحث پژوهش حاضر است (عبدالباقی، ۱۳۶۴، صص ۵۳۴-۵۳۵)؛ چراکه قتال به معنای «نبرد دو طرفه» در جهت نابودی یکی از طرفین است که از بین ساختارهای مختلف ابواب مزید، تنها این دو ساختار به چنین مشارکتی دلالت دارند (رضی‌الدین استرآبادی، بی تا، ج ۱، ص ۱۹۶/نظام الأعرج، بی تا، ص ۱۵۱/شرتونی، ۱۴۲۹، ج ۴، صص ۲۱-۱۹) و این بیانی است که لغویان نیز بر آن تأکید دارند (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۶۵/مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۱۹۶).

در بین این موارد، برخی از آیات (مثلاً بقره: ۱۹۳-۱۹۱؛ حج: ۳۹/۲۲) مربوط به زمانی است که دشمن مترصد مبارزه با نظام اسلامی باشد و برخی (مثلاً نساء: ۷۵/۴؛ توبه: ۲۹/۹ و ۱۱۱) هم مربوط به زمانی است که اساساً، دشمن تحرکی فیزیکی نداشته باشد، ولی مسلمانان بایستی برای هدفی بزرگ، با آن‌ها به مبارزه بپردازند. از بین این دو تعبیر، مفهوم پایانی مراد تحقیق حاضر است، زیرا قتال در آیه فوق اقتضای چنین برداشتی را دارد؛ چرا که آیه مورد بحث، درصدد ذکر این مطلب نیست که با دولت‌های کافر هم‌مرزی که با شما قصد محاربه دارند، مقابله کنید؛ بلکه به طور مطلق می‌گوید که با دولت‌های کافر هم‌مرز معاند جهاد کنید و پُر واضح است که این امر به یک نقطه خاص محدود نمی‌شود تا گفته شود مشکل فقط همین یک جامعه بود که با پیروزی بر آن، مسأله تمام شد. آیه به مؤمنان می‌گوید که این جهاد را به‌طور پیوسته تا

زمان وجود دولت کافر هم مرز با خود ادامه دهید (قطب، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۱۷۳۷/ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۲۳۰/ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۴۰۴) که طبعاً این مسأله دلالت بر جهاد ابتدایی دارد (جوادی‌آملی، ۱۳۹۴، ج ۳۵، صص ۵۳۲). اساساً، دفاع زمانی است که دشمن بخواهد با کسی وارد رزم شود و او درصدد دفاع از خود برمی‌آید؛ حال آنکه از آیه برداشت نمی‌شود که با این کفار هم مرز یا کفار هم مرز در آینده بخاطر اقدام تحریک‌آمیزشان «علیه مسلمانان» جهاد نمایید و این بیانی هم مفهوم با تعریف جهاد ابتدایی است که با اذن امام معصوم و امام غیر معصوم و با هدف جلب رضایت خدای متعال و برداشتن موانع هدایت از سر راه جامعه اسلامی با دشمنان معاند صورت می‌پذیرد؛ درحالی‌که اقدامی از سوی دشمن صورت نگرفته باشد.

با وجود این، ممکن است اشکال شود آیاتی که جهاد را به صورت مقید بیان کرده، تقییدکننده آیاتی است که قتال را به صورت مطلق مجاز می‌داند. در پاسخ گفته می‌شود که اولاً این آیه، نصّ نهایی و اِپسینی است که مطلق بوده و نمی‌توان با نصوص مراحل پیشین قید و شرطی برای آن لحاظ داشت؛ یعنی پس از آنکه حکومت اسلامی تشکیل شد و برخی خطرات مانند تحرکات مشرکان مکه از آن دفع گردید و تقریباً، اواخر عمر با برکت رسول‌الله (ص) بود، خدای متعال به مؤمنان دستور داد که الآن با دولت‌های کافری که هم‌مرزتان هستند و با شما دشمن هستند، جهاد کنید تا زمینه برقراری حکومت الله بر زمین محقق شود (قطب، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۱۷۳۷). ثانیاً در بحث‌هایی نظیر ناسخ و منسوخ، عام و خاص، مطلق و مقید و...، باید موضوع واحد و حکم متفاوت باشد. به عبارت دیگر، باید این دو شرط موجود باشد تا بتوان قاعده را جاری کرد؛ این در حالی است که موضوع در این آیه و آیات دیگر متفاوت است؛ در آن موارد، موضوع جهاد دفاعی و در اینگونه موارد، جهاد ابتدایی است. بنابراین، مقید کردن آیه به مواردی که در آن‌ها جهاد دفاعی ذکر شده است، صحیح نیست.

در عین حال، بایستی توجه داشت که این آیه در صدد اثبات این جهاد نیست؛ بلکه اساساً این امر در آیات قبل، اثبات شده و در این آیه، صرفاً جهت شروع چنین جهادی مورد توجه است (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۷۴۸). به نظر می‌رسد که این بیان منطقی‌تر است؛ چراکه اولاً با درنگی در آیاتی نظیر آیات ۲۹ و ۱۱۱ سوره براءت، این نکته بدست می‌آید که چنین جهادی در این آیات اثبات شده و مؤمنان نیز مشروعیت آن را فهم کرده‌اند؛ لکن جهت شروع آن را نمی‌دانند که این آیه بدان اشاره نموده است. افزون بر اینکه، تأکید آیه بر مبارزه با هم‌مرزها (برخلاف آیات دیگری که به چنین جهتی اشاره ندارند)، تأییدکننده همین امر است. بنابراین، از ظاهر این آیه نیز چنین برداشت می‌شود که آیه مترصد بیان جهت این مبارزه (و نه اثبات آن) است. به هر حال، مسلمانان بایستی برای پیروزی ارزش‌های حقیقی بر ارزش‌های تصنعی با دشمنان به مبارزه بپردازند.

با این وجود، برخی در تبیین دامنه این مبارزه بر این نظرند که گاهی شکل جهاد متفاوت است؛ یعنی مسأله از پیکار مسلحانه، به مبارزه فکری کشیده می‌شود و در این بین شاید بتوان با تصرف در معنای ظاهری آیه (پیکار مسلحانه با هم‌مرزهای جغرافیایی)، آن را به نبرد فکری نیز تسری داد. در نتیجه، مسلمانان در زمان مبارزه تبلیغاتی با دشمنان، اول باید سراغ کسانی بروند که خطرشان برای امت اسلامی نزدیکتر و بیشتر است.

به عنوان نمونه در عصر حاضر که خطر مادی‌گری جوامع مختلف را تهدید می‌کند، بایستی مبارزه با آن را مقدم بر مبارزه با مذاهب باطله قرار داد. البته این به معنای فراموشی اصل جهاد ابتدایی مشهور نیست؛ بلکه صرفاً به این معناست که باید در مبارزه به اولویت‌ها توجه داشت (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۱۹۸). در ارزیابی این مسأله هم باید گفت که گرچه این امر مسأله‌ای مهم محسوب می‌شود و قابل قبول است؛ اما اولاً، این بیان مخالف ظهور آیه است که دلالت بر رزم مسلحانه دارد؛ ثانیاً، یکی از مقدمات همین جهاد، مبارزه فکری با لحاظ اولویت‌هاست که اتفاقاً ادامه آیه به همین امر اشاره دارد که به صورت مبسوط در ادامه بیان خواهد شد. بنابراین، ظاهراً دامنه این جهاد در آیه، محدود به مبارزه فیزیکی است.

۱-۱-۳- چگونگی دلالت این جهاد بر جهانی کردن اسلام

برخی از مفسران، حکمت جهاد ابتدایی با رژیم‌های کافر هم‌جوار معاند را به دو صورت زیر ذکر کرده‌اند: الف) از نظر تاکتیک و روش مبارزه، بدون شك باید نخست از دشمنان نزدیکتر شروع کرد، زیرا در صورت مبارزه با دشمنان دورتر، بلاد اسلامی از مجاهدان خالی مانده و کفار نزدیک به آنجا هجوم برده و کانون اسلام را از بین می‌برند. بنابراین، خطر دشمن نزدیک بیشتر و جهاد با او واجب‌تر است (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۳، ص ۳۶۸/ جصاص، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۳۷۴/ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۲۳/ نک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۲۷/ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۴۷/ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۱۹۶).

ب) با عنایت به اینکه حدی برای قتال با کفار دورتر وجود ندارد تا بتوان از آنجا شروع به قتال کرد (جصاص، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۳۷۴/ طوسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۳۲۴/ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۲۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۴۷) و مانعی به نام کفار نزدیک بر سر راه وجود دارد (جصاص، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۳۷۴/ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۴۷) که اطلاعات ما درباره او نسبت به دشمن دورتر، بیشتر بوده و طبعاً هزینه مبارزه با او به مراتب کمتر و تسلط بر جبهه در نبرد با او آسان‌تر است، پس عاقلانه این است که ابتدا با دشمن نزدیک‌تر وارد جهاد شد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۱۹۶).

گرچه این حکمت‌ها به جای خود صحیح و منطقی‌اند؛ اما این‌ها لازمه این موضوع بوده و اساساً خیلی روشن هستند؛ یعنی این طبیعی و بدیهی است که وقتی جامعه‌ای بخواهد با دشمنان خود وارد رزم ابتدایی شود، ابتدا از هم‌مرزها شروع می‌کند. بنابراین، نیازی به ذکر این فقره از آیه با این اهداف احساس نمی‌شود؛ مگر اینکه آیه به حکمتی بزرگتر اشاره داشته باشد. آیه می‌خواهد شیوه جهادی که باعث می‌شود مسلمانان به تدریج دین خود را جهانی کنند، بیان نماید. از این جهت، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، اعلان ﴿قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ﴾ از سوی خدای متعال را بیانگر یکی از شگفتی‌های حکمرانی قرآن ذکر کرده که در عبارتی کوتاه، حکمی بزرگ (تلاش برای جهانی کردن اسلام و هضم کردن جوامع کفر در جوامع اسلامی) را بیان کرده است. قرآن نمی‌گوید همین که با یکی از حکومت‌های کافر هم‌مرز با خود جهاد کردید و پیروز شدید، رسالت‌تان تمام است؛ بلکه می‌فرماید که مسلمانان باید دائماً به این جهاد ادامه دهند تا با استقرار توحید در جهان، حقیقت بر دنیا برقرار شود و دولت کافری در عالم نماند که با آزادی انسان‌ها مخالف باشد (خامنه‌ای ۱۳۹۶، ص ۷۴۸). آنچه این مسأله را تأیید می‌نماید، دلالت آیه بر وجوب جهاد با همه

حکومت‌های کافر معاند (و نه بخشی از آنها) است که در مرحله اول، نبرد با هم‌جواران مورد تأکید قرار گرفته است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۱، ص ۵۲/ طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۳، ص ۳۶۸/ جصاص، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۳۷۴/ فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱۶، ص ۱۷۲/ نک: آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۴۷/ طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۴۰۴/ صادقی‌تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۱۳، ص ۳۴۷). افزون بر این، آیه ﴿قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ﴾ دستوری است مبنی بر اینکه مسلمانان باید از هر طرف دنیا، اسلام را گسترش دهند (قطب، ۱۴۲۵، ج ۳، صص ۱۷۳۷-۱۷۳۸/ طباطبائی، همان) و این مطلبی است که آیه ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ﴾ (بقره ۲/ ۱۹۳/ انفال ۸/ ۳۹) و آیه ﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ﴾ نیز بدان اشاره دارد و سیره فرهنگی رسول الله (ص) (انذار نزدیکان، مردم مکه، سراسر جزیره عرب و نامه‌نگاری با سلاطین جهان) و نظامی او و صحابه در دعوت مردم به اسلام نیز بر آن صحه می‌گذارد (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱۶، ص ۱۷۲/ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۴۷/ قطب، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۱۷۳۷/ رشید رضا، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۸۰/ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۱۹۶).

ناگفته نماند که برخی نیز با تأکید بر اینکه جهاد با کفار هم‌جوار یک اصل و قانون است، در عین حال تصریح دارند که وقتی خطر دشمن دورتر از نزدیک‌تر بیشتر باشد، تقدم مبارزه با او جایز است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۱۹۶) و برخی دیگر هم این تقدم را در صورت وجود معاهده با کفار نزدیک و صلاح‌دید امام یا ولی امر مسلمین، بدون اشکال دانسته و بر این نظرند که این آیه دلالت دارد که وقتی حدود اسلام در خطر باشد، بر مسلمانان در هر جایی واجب است که از خودشان دفاع کنند، ولو اینکه امام عادل هم در بین آنها نباشد (طوسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۳۲۴/ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۲۷/ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۰، ص ۸۲). البته شیخ طوسی، جهاد با کفار را برای دعوت به حق (و نه ممانعت از اختیار کفر که با تکلیف ناسازگار خواهد بود) جایز دانسته است (طوسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۳۲۴). بنابراین چه ذکر شد، یکی از بزرگترین راهبردهای قرآن برای جهانی‌کردن اسلام، مبارزه پیوسته با دولت‌های کافر هم‌مرز با جامعه اسلامی است.

۲-۳- پیدایی غلظت در مؤمنان

بنابر قسمت دوم آیه مبنی بر ﴿وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً﴾، دومین ایده برای جهانی‌کردن اسلام، پیدایی غلظت در مؤمنان از نظرگاه کفار است که تحلیل آن، در پی می‌آید:

۱-۲-۳- مفهوم غلظت

برخی در تفسیر ﴿وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً﴾ بر این نظرند که این قسمت از آیه حکم زیربنا و مقدمه برای ﴿قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ﴾ را داشته که با تأخیر ذکر شده و غلظت در آن به معنای «انعطاف‌ناپذیری» در برابر کفار است؛ یعنی مؤمنان نباید در مقابل آنها از جهت فرهنگی و جهان‌بینی رقت داشته و در آنها هضم شوند (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۷۵۰). این مفهومی است که از یک‌سو مورد اتفاق غالب لغویان (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۱۲/ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۴۴۹/ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۷، ص ۲۵۰) و مفسران (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۱، ص ۵۳/ جصاص، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۳۷۴/ طوسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۳۲۴/ طبرسی،

۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۲۷ / طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۴۰۴ / فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۱، ص ۲۴۶ / ضیاء‌آبادی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۵۴۰ / جوادی‌آملی، ۱۳۹۴، ج ۳۵، ص ۵۳۸) نیز می‌باشد و از سوی دیگر، آیات مختلفی آن را تأیید می‌نمایند که در زیر تنها به سه مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) خدای متعال در آیه ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ﴾ یکی از ویژگی‌های مؤمنان واقعی را شدت در برابر کفار ذکر کرده و از مسلمانان می‌خواهد که شما هم در برابر آن‌ها نفوذناپذیر باشید؛ همچون آهن: ﴿وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ﴾ (حدید: ۲۵/۵۷).

ب) آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ (مائده: ۵۴/۵) یکی دیگر از خصوصیات مؤمنان را عزت، یعنی اقتدار در برابر کفار معرفی کرده است.

ج) خدای متعال به رسول‌الله (ص) و مؤمنان دستور می‌دهد که در برابر کفار باید مقاومت کرده و سازش و تسلیمی نداشته باشند: ﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مِنْ تَابِ مَعَكَ وَ لَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (هود: ۱۱۲/۱۱).

بنابر آنچه ذکر شد، مؤمنان افرادی هستند که در راستای تلاش برای انتشار حداکثری اندیشه خود، در برابر کفار از خود انعطاف‌ناپذیری نشان داده و از آن‌ها تأثیر نمی‌پذیرند.

۲-۲-۳- دامنه انعطاف‌ناپذیری در برابر کفار

در اینکه دامنه انعطاف‌ناپذیری در برابر کفار چه مقدار می‌باشد، تفسیرهای مختلفی صورت گرفته است. برخی با توجه به بخش ابتدایی آیه، عبارت ﴿وَلِيُجِدُوا فِيكُمْ غُلُظَةً﴾ را مرتبط با بحث قتال با یکی از سه تفسیر «شدت یا خشونت در مجازات، جنگ و اسیرگیری» (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۲۴) یا «ایستادگی و پابرجایی در هنگام قتال یا نمایش این آمادگی» (قطب، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۱۷۴۰ / مکارم، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۹۸ / جوادی‌آملی، ۱۳۹۴، ج ۳۵، صص ۵۳۹-۵۳۸) و یا هر دو معنا کرده‌اند (نک: فیض‌کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۹۰ / قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۵، ص ۵۷۷ / آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۴۷ / ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۲۳۱ / رشید رضا، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۸۱). برخی دیگر نیز دامنه آن را صرفاً در بخش ارتباطاتی نظیر سخن‌گفتن، مناظره، مکاتبه و... ذکر نموده‌اند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۲۰۴ / جصاص، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۳۷۴). برخی اقامه دلیل، خرید و فروش، هم‌نشینی و هم‌سفره‌ای را به این دو دسته اضافه نموده (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱۶، ص ۱۷۴) و در نهایت، برخی هم هیچ محدوده‌ای برای آن در نظر نگرفته و مطلقاً گفته‌اند که در برابر کفار شدید و سرسخت باشید (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۱، ص ۵۳ / طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۲۷ / طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۴۰۴ / صادقی‌تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۱۳، ص ۳۴۷ / فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۱، ص ۲۴۶) که اساساً معلوم نیست مطلب را مقید به قسمت قبلی با تفسیر قاطعیت در اجرای دستور خدا مبنی بر قتال کرده‌اند یا شدت در هر نوع رابطه دیگر و یا در تمام ابعاد زندگی مورد نظر آنهاست. دقت در بیان رهبر حکیم انقلاب، بیانگر آن است که ایشان این انعطاف را صرفاً وابسته به ﴿قَاتِلُوا الَّذِينَ يُلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ﴾ و یا ارتباطات مسلمانان با کفار هم‌مرز با جامعه اسلامی نمی‌داند چراکه ایشان بر این

نظر است که ﴿وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً﴾ «راهکاری مستقل» در رویارویی با کفار است و این آیه علاوه بر اینکه به یک راهکار نظامی برای جهان‌گیری اسلام اشاره دارد، از یک «راهبردی فرهنگی» نیز سخن به میان آورده که اولین و کلیدی‌ترین راهکار در مواجهه با دشمنان برای ثبات جامعه اسلامی و پیشرفت هرچه بیشتر آن محسوب می‌شود.

اساساً ملت‌های هم‌مرز، با یکدیگر تبادل فرهنگی دارند و در این بین، ملت‌های قوی همواره مترصد تأثیرگذاری بر ملل ضعیف و تحمیل زبان، فکر و فرهنگ خود به آنها در جهت تسلط و سیطره بر امور سیاسی، نظامی و در یک کلام، هضم کردن آنها در فرهنگ خود هستند. حال اگر جامعه اسلامی فکر و فرهنگ کفار را بپذیرد، کم‌کم کفار بر آنها تسلط یافته و به تدریج، کیان اسلام و سیره پیامبر اسلام (ص) از بین می‌رود؛ درحالی‌که از یک سو، قرآن به آنها دستور داده که پیشروی کرده و عقب‌نشینی نکنند: ﴿قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ﴾ و از سوی دیگر، اسلام مسلمانان را از تشبّه به کفار به خاطر داخل شدن در زمره آنها «مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ عَدُوِّهِمْ» (نهج الفصاحه، ۱۳۸۲، ص ۷۳۷) منع کرده است. بنابراین، اگر جامعه اسلامی بخواهد غافل‌گیر نشود و همان پیشروی را داشته باشد، باید علاوه بر جهاد با کفار، مواظب باشد از آنان اثرپذیری نداشته باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، صص ۷۴۹-۷۵۰). حقیقت این است که «فرهنگ هویت یک ملت است. ارزش‌های فرهنگی روح و معنای حقیقی یک ملت است. همه چیز مترتب بر فرهنگ است. فرهنگ حاشیه و ذیل اقتصاد نیست، حاشیه و ذیل سیاست نیست، اقتصاد و سیاست حاشیه و ذیل بر فرهنگ‌اند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۹/۱۹). به تعبیر امام خمینی (ره)، «فرهنگ اساس ملت است، اساس ملیت یک ملت است، اساس استقلال یک ملت است و لهذا... [دشمنان] کوشش کرده‌اند که فرهنگ ما را استعماری کنند» (خمینی، بی تا، ج ۷، ص ۵۷). اتفاقاً کفار در زمان معاصر نیز فرهنگ انقلاب اسلامی را نشانه گرفته‌اند. وقتی که دشمنان اسلام از ساقط کردن انقلاب اسلامی ایران به وسیله عملیات نظامی ناامید شدند، تمام امکاناتشان را برای هجوم فرهنگی جمع‌آوری کردند که رهبر حکیم انقلاب از آن به «شیخون فرهنگی»، «غارث فرهنگی» و «قتل عام فرهنگی» تعبیر کردند (خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۰۴/۲۲)؛ در نتیجه، بزرگ‌ترین خطر و ضرر برای هر جامعه‌ای، تهاجم فرهنگی است که مؤمنان باید در آن جامعه، آنقدر در برابر کفار انعطاف‌ناپذیر باشند تا کید او بی‌تأثیر شود (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱ الف، ص ۱۵).

با این تفسیر، روشن است که وقتی آیه به مؤمنان دستور می‌دهد که در راستای گسترش اندیشه اسلام جهاد کنید، این یعنی اینکه مؤمنان نه تنها باید در هنگام قتال متوقف و سست نشوند؛ بلکه با نهایت قدرت و صلابت در میدان رزم وارد شده و در مسیر هدف خود حرکت کنند و گرنه، اساساً قتال بی‌معنی می‌شود. بنابراین، ایستادگی در میدان نبرد در همان بخش نخست آیه نهفته شده است و عبارت ﴿وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً﴾ از خطر نفوذ فرهنگی در یک ملت سخن می‌گوید که هدف موردنظر در قتال را هم تهدید می‌کند. از این رو، خدای متعال مؤمنان را از آن برحذر می‌دارد؛ به اینکه مراقب باشید در هنگام تک‌زدن (جهاد ابتدایی) به دشمن، پاتکی از او در جایی که هویت‌تان به آن وابسته و در حقیقت تمام تلاشتان برای انتشار آن است، نخورید.

بر اساس آنچه ذکر شد، طبیعتاً دامنه‌ایی که برای آن انعطاف‌ناپذیری متصور است، شامل تمام اعتقادات

و ارزش‌ها می‌شود؛ زیرا اصل و اساس هر فرهنگی در گرو «عقیده و چگونگی نظر به هستی» و «ارزش‌ها و الگوهای متعالی و برجسته» است که اولی به شناخت واقعیات و آنچه هست باز می‌گردد و دومی به شناخت آنچه که انسان باید انجام دهد یا ترک کند، باز می‌گردد (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱ الف، ص ۱۵).

گاه گفته می‌شود که انعطاف‌ناپذیری در برابر جبهه کفری که غالباً ثروت، قدرت و ابزار تزویر جهان در اختیار او می‌باشد، بی‌فایده است؛ در حالی که این فکر صحیح نیست، زیرا این یک قاعده عقلایی است که وقتی جامعه‌ای در مقابل دشمن، از خود سرسختی و انعطاف‌ناپذیری نشان داد، بلاشک دشمن او به تدریج از مواضع و تحرکات خود علیه آنها عقب‌نشینی می‌کند؛ و بالعکس، اگر نرمی و انعطاف در برابر آنها پیشه شود، بلاشک دشمن (کفار) به خود جرأت خباثت و طمع بیشتر به مسلمانان را داده و حتی با عقب‌نشینی‌های محدود آن‌ها هم قانع نشده و در صدد ریشه‌کنی تمام اندیشه توحیدی بر خواهند آمد (جصاص، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۳۷۴ / طوسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۳۲۴ / طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۲۷ / فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱۶، ص ۱۷۳ / مکارم، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۹۷). اصولاً «در میدان رویارویی، دشمن از عقب‌نشینی طرف مقابل، دلش به رحم نمی‌آید؛ هر یک قدم عقب‌نشینی ملت مبارز در مقابل دشمنان، به معنای یک قدم جلو آمدن دشمن و مسلط شدن اوست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰ / ۰۳ / ۱۴) و نتیجه آن، ظهور دو آفت مهم زیر است:

الف) استحاله فرهنگی: زمانی یک جامعه فعال و رو به رشد است که دارای ماهیتی قوی باشد و همواره آن‌ها را با در نظر گرفتن نواندیشی‌های ریشه‌دار حفظ نماید. طبیعتاً شرط این امر هم کوتاه نیامدن از اصولی است که هویت آن جامعه را تشکیل می‌دهد. اینکه مؤمنان با هر انگیزه‌ای و علتی در عقاید و ارزش‌های‌شان در برابر کفار سستی نشان داده و اندیشه خود را کنار و نظریات بیگانگان را دریافت نمایند، به تدریج جامعه اسلامی‌شان از درون تهی و خالی شده و تنها پوسته و شکلی از آن برایشان باقی خواهد ماند (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۲۴، ص ۸۶) و این چیزی است که اسلام مسلمانان را از آن در آیاتی نظیر ﴿فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَى﴾ (طه: ۱۶/۲۰)، ﴿وَلَا يَصُدُّكُمْ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ (زخرف: ۶۲/۴۳) و ﴿وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أَنْزَلْتُ إِلَيْكَ﴾ (قصص: ۸۷/۲۸) نهی کرده است.

ب) پیدایی نظام سلطه مادی: دیگر آفت جامعه اسلامی در این محور که نتیجه همان استحاله می‌باشد، تأیید سلطه‌گری غیر الهی و پذیرش این سلطه در جامعه اسلامی است؛ «وقتی بنا شد که مسلمین به آن مسائل الهی توجه نکنند، به آن مسائل قرآنی توجه نکنند، و احکام اسلام را درست به آن توجه نکنند ... ناچار باید این طور بشوند که همه چیزشان را بدهند و التماس هم بکنند به آنها که قبول کنید شما» (خمینی، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۵۵)؛ حال آنکه در اسلام چنین چیزی وجود ندارد و هرگز راهی برای سلطه کفار بر مؤمنان قرار داده نشده است: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً﴾ (نساء: ۱۴۱/۴). در اسلام ناب، مسلمانان به طور مدام با نظام مادی که در حال تلاش برای ایجاد سلطه بر جوامع است، به اشکال مختلفی مخالفت می‌نمایند (خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۰۵/۱۹). بنابر آنچه ذکر شد، عقلانیت هم اقتضا دارد که مسلمانان از کفار از جهت فرهنگی و جهانی‌بینی تأثیر نپذیرفته و در آن‌ها هضم نشوند؛ بلکه تمام تلاش خود را برای پیاده‌سازی «الإِسْلَامُ يَعْلُو وَ لَا يَعْلى عَلَيْهِ» (نک: ابن‌بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۳۴) بکار گرفته تا خدای متعال خط فکری‌شان را یاری نموده و بتوانند کفار هم‌مرز را با قتال، در خود هضم کنند: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ

کَلِّهِ

۳-۲-۳- راهکارهای موفقیت در انعطاف‌ناپذیری برای حراست از جامعه اسلامی

خدای متعال در بخشی دیگر از آیه و پس از آنکه دستور به قتال و انعطاف‌ناپذیری در برابر کفار هم‌مرز با جامعه اسلامی را داد، بیان می‌کند که چگونه می‌توان جامعه اسلامی را تحت مراقبت قرار داد تا در فرهنگ جامعه کفر هضم نشوند: ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾ (خامنه‌ای ۱۳۹۶، ص ۷۵۰). با ژرف‌اندیشی در این قسمت از آیه، دو راهکار مستفاد می‌شود که بایستی هر دو با هم ظهور داشته باشند تا بتوان از جامعه اسلامی مراقبت نمود؛ این دو راهکار عبارتند از:

۱-۳-۲-۳- پرهیزمندی در عرصه‌های گوناگون زندگی

بنابر عبارت ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾، اولین شرط برای حراست از جوامع اسلامی، تقواست که به معنای مراقبت هوشیارانه از اعمال، رفتار، دل، فکر و عقل خود برای جلوگیری از انحراف از جاده مستقیم است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵، صص ۴۰۱-۴۰۲ / مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۳، ص ۱۸۴). مسلماً این کلمه پرمغز تنها در بُعد فردی محدود نیست؛ به‌ویژه اینکه در این آیه، بحث بر روی یک امر اجتماعی به نام تشکیل جامعه جهانی اسلامی است که بدون وجود یک حرکت اجتماعی، تقریباً قابل تصور نیست. از این جهت، راهکار قرآن برای واردنشدن مؤمنان در جهان‌بینی غیر‌موحدانه، تقواست و اساساً «وقتی جامعه‌ای با طرز تفکر اسلامی ساخته شد، زمامداران و نیز افراد این جامعه بایستی با وسواس هرچه تمام سعی کنند که از اصول اسلامی، یک سر موهم تخطی نکنند... یعنی بدانند که خداوند به چه امر کرده تا آن را انجام دهند و از آن تخطی نکنند، و بدانند که او از چه نهی کرده و از آن تخطی نکنند» (خامنه‌ای ۱۳۹۶، ص ۷۵۰).

اسلام ناب مملو از ارزش‌هایی است که جهان‌خواران و مستکبران نمی‌توانند آن‌ها را تحمل کنند و خواهان طرد آنها از سوی مؤمنان هستند؛ لذا تا جایی که ممکن است فشارهای زیادی را از طرق فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بر جامعه مؤمنان وارد می‌نمایند تا آن‌ها از اهداف و آرمان‌هایشان دست بکشند. باید به این امر، خواسته‌های نفسانی و مواردی نظیر تلاش برای ایجاد تفرقه و امثال این‌ها را که در درون خود جامعه مؤمنان وجود دارد، اضافه نمود. مؤمنان متقی کسانی هستند که در برابر این تهاجمات فرهنگی، محکم بر روی اهداف و ارزش‌های اسلامی ایستاده و ذره‌ای بخاطر مطامع دنیوی، از آن‌ها کوتاه نیامده و بطور مداوم مراقب خود و دستورات الهی باشند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۴۰۵) و به تعبیر امام خمینی (ره): «هر که تقوایش زیادت‌تر است، پیش خدا کرامتش زیادت‌تر است... و اگر خدای نخواست تقوا در کار نباشد، همه از نظر خدا منفی‌اند. آن روزی که بر ملت تقوا پیدا بشود، ملت برومند است، کریم است، پیش خدا «اکرم» است؛ «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» استثنا ندارد» (خمینی، بی‌تا، ج ۶، ص ۶۱۴). این پرهیزمندی در سه عرصه اجتماعی مورد نظر است:

الف) تقوای فرهنگی: همان‌طور که ذکر شد، فرهنگ مجموعه‌ای از عقاید و ارزش‌های یک جامعه است و طبیعتاً، تقوای آن هم به این معناست که مسلمانان همواره بایستی از هویت خود که هم ریشه‌دار و هم منطقی

است، مراقبت نموده و مقدمه برقراری و ثبات نظام اسلامی‌شان را فراهم نمایند؛ حتی اگر لازمه این امر، ایثار جان باشد. برخی از این اصول فرهنگی عبارت است از اینکه، از دین خود مراقبت کنند؛ از استقلال خود دفاع نمایند؛ صداقت و پاکدامنی را در روابط حاکم نمایند و... .

ب) تقوای سیاسی: سیاست به معنای «تدبیر صحیح جامعه برای حصول مصالح معنوی و مادی مردم» است (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۴۶) و طبعاً، تقوای سیاسی هم به این مفهوم است که مسلمانان در میدان سیاست، مطالبات اسلام را موبه‌مو دنبال کرده و پیاده‌سازی نمایند یعنی در عمل صداقت داشته باشند؛ نقض عهد نکنند و اگر دشمنش چنین کرد، او هم به پیمان ملتزم نباشند و همین بی‌انعطافی و قتال را با تدبیر انجام دهد و در مقابل کفار با پایداری حرکت کرده و نه تنها سستی و وضعی نداشته باشند، بلکه سازش و تسلیم هم در کار نباشد و... .

ج) تقوای اقتصادی: جامعه اسلامی زمانی قادر است روی پای خود بایستد و احکام اسلامی را در جهت حاکمیت الله بر زمین دنبال و پیاده نماید که از اقتصادی قوی برخوردار باشد. اقتصاد اسلامی یعنی «تنظیم قوانین اقتصادی بر اساس حفظ شوون اخلاقی، مصالح انسانی و عدالت اجتماعی» (سبحانی‌تبریزی، ۱۳۷۸، ص ۱۰) و تقوای اقتصادی هم به این است که مسئولان حکومت اسلامی تمام تلاش خود را در جهت بهبود وضعیت اقتصادی جامعه و توزیع عادلانه ثروت ملی به کار گرفته و از ثروت ملی با طرق مختلفی مانند رانت و انحصارطلبی و امثال آن سوء استفاده نکنند و مردم هم ضمن پرهیز از تکاثر، حرام‌خواری، احتکار و امثال آن، انواع انفاقات و تکافلات اجتماعی را فراموش نکنند. در این صورت، جامعه اسلامی نه تنها ثابت و پابرجا خواهد ماند، بلکه به پیشروی خود ادامه خواهد داد. از همین جهت در آیاتی نظیر ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ﴾ (اعراف: ۹۶/۷)، از يك رابطه خاصی بین عدم تجاوز از دستورات الهی با فراوانی معیشت و کثرت تولید سخن به میان آمده که در زبان امروزی از آن به برقراری رابطه بین عدالت در توزیع با فراوانی در تولید یاد می‌شود و گزاره «عدالت در توزیع، فقر‌آور است» را دور می‌اندازد. بنابراین، بر اساس آیات قرآن و سنت‌های تاریخی، هر جامعه‌ای که در توزیعش به عدالت حکومت کند و از این عدالت مراقبت کند، در تنگنای کمبود تولید و فقر قرار نمی‌گیرند و همواره ثروتش افزوده گشته و خیرات و برکات فراوانی نصیبش می‌گردد (صدر، ۱۳۸۱، ص ۷۶). بنابر آنچه که ذکر شد، تقوا اولین راهکار برای حراست از جامعه اسلامی محسوب می‌شود.

۲-۳-۲-۳- بهره‌مندی از معیت رحیمیه الهی

هر چند آیه مورد بحث برای نفوذناپذیری جامعه اسلامی، «تقوا» را به‌عنوان یکی از شروط موفقیت بیان کرده، اما آن را کافی ندانسته و از شرطی دیگر نیز سخن به میان آورده که عبارت است از: بهره‌مندی از همراهی ویژه خدای متعال که در پایان آیه می‌فرماید: ﴿وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾. یعنی تلاش برای پایداری جامعه اسلامی، آنقدر بزرگ و سنگین است که با تقوای صرف نمی‌توان بدان دست یافت و درواقع بایستی از معیت ویژه الهی هم بهره‌مند شد.

اساساً یکی از خطاهای محاسباتی این است که انسان در چهارچوب عوامل مادی محدود بماند و

نیروهای بسیار قدرتمند معنوی و باطنی را نادیده بگیرد (خامنه‌ای، ۱۶ / ۱۰۴ / ۱۳۹۳). در بینش توحیدی، همچنانی که نظام هستی به اراده الهی بر پایه مجموعه‌ای از قوانین برپا شده و دوام می‌یابد، نظام اجتماعی نیز که بستر تعاملات انسانی می‌باشد، متأثر از مجموعه قواعدی است که در آیات مختلفی بر آن‌ها تأکید شده و تحت عنوان «سنت‌های الهی» از آن‌ها یاد می‌شود. این نیروهای قدرتمند که منطبق قرآن کریم دلالت بر غیر قابل «تبدیل» و «تغییر» بودن آن‌ها دارد،^۱ شاخصه اصلی نگرش توحیدی هستند و برآیند تصمیمات و عواقب امور را به دقت مشخص کرده و در موفقیت محاسبات آینده محور نقش کلیدی دارند. به همین این جهت، خدای متعال «معیت» خود را برای پابرجایی جامعه اسلامی به تقوا ضمیمه نمود و به پرهیزمندی صرف در تحقق این امر کلان اکتفا نکرد و تکیه صرف بر آن را کافی ندانست.

این همراهی که با توجه به نوع مخاطبش که حق طلبان از اهل ایمان است، به رحمت و بیزه خدای متعال تفسیر می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۲۸)، بدین معناست که خدای متعال از طریق رحمت خاص خود، جریان فکری متقیان را برای موفقیت و کامیابی در زندگی از طرق مختلفی نصرت و دستگیری کرده و همواره آن‌ها را در فراز و نشیب‌های زندگی همراهی و پشتیبانی نموده و لحظه‌ای آن‌ها را به حال خود رها نمی‌کند. بنابراین، این معیت «یعنی مساعدت و کمک و فکر خدا همه‌جا با آن‌هاست و آن‌ها صحنه گیتی را خواهند گرفت و همه مناطق در زیر پرچم اسلامی در خواهد آمد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۷۵).

البته همان‌طور که مشخص است، منظور از یاری قطعی مؤمنان، نصرت شخصیت حقوقی آنان - دین و مکتب - است نه بدن و شخص آنان چراکه از یکسو، شخص آنان به ﴿إِخْدَى الْحُسَيْنِ﴾ (براءت: ۹ / ۵۲) نایل می‌شود، یا سالم و فاتح بازمی‌گردند یا مجروح یا اسیر یا شهید شده و به سعادت ابدی می‌رسند و از سوی دیگر، عنصر حیات بخش فقط دین خداست که باید زنده بماند و زندگی مؤمنان وابسته به آن است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، صص ۵۰۳-۵۰۵ و ج ۱۳، ص ۵۰۵). البته، وقتی مجموعه‌ای حرکت می‌کند، طبیعتاً شهادت‌ها، سختی‌ها و رنج‌ها وجود دارد، اما پیروزی هم هست: ﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ﴾ (حج: ۲۲ / ۴۰). قرآن نمی‌فرماید که نصرت می‌دهیم و مشکلی هم برای کسی پیش نمی‌آید، بلکه می‌فرماید: ﴿فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ﴾ (براءت: ۹ / ۱۱۱) یعنی مؤمنان هم دشمن را می‌کشند و هم خود کشته می‌شوند، اما پیروزی به دست می‌آورند (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۳، صص ۳۴۵-۳۴۶).

ناگفته نماند که برای دریافت سنت معیت و همچنین تعجیل در آن، بایستی مقدمات وقوع آن را به میزان کافی فراهم نمود؛ از این جهت، از آیات مربوط به معیت الهی با محوریت حق طلبان از اهل ایمان^۲ هم کاملاً برمی‌آید که خدای متعال برای جلو بردن و جهانی کردن خط فکری مؤمنان، شروطی را اعلام نموده که تنها در صورت فراهم شدن آن‌ها امداد الهی شامل حال جامعه می‌شود و اراده الهی در وصول به این معیت، صرفاً وابسته به مقدمات حصولی ما نیست؛ بلکه این مقدمات خود سببی از اسباب دریافت معیت است که در

۱. نک: ﴿فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا﴾ (فاطر: ۴۳ / ۳۵).

۲. این آیات عبارت است از: بقره: ۱۵۳ / ۱۹۴ و ۲۴۹؛ آل عمران: ۸۱ / ۳؛ انفال: ۱۹ / ۸، ۴۶ و ۶۶؛ توبه: ۳۶ / ۹، ۴۰ و ۱۲۳؛ نحل: ۱۲۸ / ۱۶؛ طه: ۴۶ / ۲۰؛ شعراء: ۱۵ / ۲۶ و ۶۲؛ عنکبوت: ۶۹ / ۲۹؛ محمد: ۳۵ / ۴۷.

نهایت خود او مسبب الأسباب حقیقی است.

از دیدگاه قرآن کریم، اساسی‌ترین شروط دریافت همراهی ویژه خداوند، «ایمان» و «عمل صالح (تقوا، بصیرت، احسان، وحدت، استقامت و توکل)» است. بحث و تحلیل درباره هر یک از این مطالب مجال مناسب را می‌طلبد؛ اما در نگاهی کلی، بایستی توجه داشت که معیت الهی امری تشکیکی و ذو مراتب است و بالتبع، مقدمات آن هم همین‌گونه هستند. از باب نمونه، هر قدر جامعه اسلامی استقامت بیشتری از خود نشان دهد، امدادهای الهی را در جهت موفقیت و پیش‌بردن خط فکری بیشتر دریافت می‌نماید. بر این اساس در آیه مورد اشاره، تقوا خود سببی برای دریافت این معیت است؛ یعنی جدای از اینکه هدف مورد نظر، به «تقوا» و «معیت» نیاز است؛ باید عنایت داشت که خود این تقوا هم لازم معیت الهی است و تا این تلاش و مجاهدت از سوی مؤمنان صورت نگیرد، همراهی خدای متعال نیز اصولاً حاصل نمی‌گردد.

بنابر آنچه که ذکر شد، شرط انعطاف‌ناپذیری و جهانی کردن اسلام، «تلاش مؤمنان از طریق تقوا» و «دریافت امدادهای الهی» است که بایستی این دو با یکدیگر تلازم داشته باشند. عبارت ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾، به وعده‌ای الهی مبنی بر اینکه اگر مؤمنان تقوا به خرج دهند، خدای متعال هم آن‌ها را یاری و هدایت کرده و در جهان برتری می‌بخشد، اشاره دارد چراکه خدای متعال، مولای آن‌هاست و بر هر چیزی قادر است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۴۰۵).

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر که با تمرکز بر روی آیه ۱۲۳ سوره براءت صورت گرفته، به قرار زیر است:

۱. دلالت عبارت ﴿قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ﴾ چنین است که مؤمنان بایستی در راستای آزادی بشر و جهانی‌سازی اسلام، به‌طور پیوسته با دولت‌های کافر معاند هم‌مرز با خود مبارزه نمایند.
۲. انعطاف‌ناپذیری در برابر این کفار، خود مقدمه قتال با حکومت‌های کافر هم‌جوار با جامعه اسلامی است که اگر این امر به درستی انجام نپذیرد، نه تنها به جهانی‌کردن اسلام کمکی نشده است؛ بلکه به تدریج، جامعه اسلامی در کفر هضم می‌شود و عملاً دستاورد قتال هم تحت الشعاع قرار خواهد گرفت. به عبارتی روشن‌تر، هدف در درجه اول چنین است که جامعه اسلامی موجود یا جوامع نوظهور اسلامی، تفکر و رفتار توحیدی خود را حفظ نمایند، آنگاه به انتشار آن اهتمام ورزند. بنابراین بخش ﴿وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً﴾، ناظر به مسأله فرهنگ حاکم بر جامعه اسلامی است.
۳. راهکار حراست از جامعه اسلامی برای انهضام‌ناپذیری در فرهنگ کفر یا هر نوع آسیب دیگر، تقوای فردی و جمعی مؤمنان در جهت مراقبت از ارزش‌ها و عقاید اسلامی است. با این همه، بخاطر هم‌زیستی مؤمنان با کفاری که اکثر قدرت و ثروت و ابزار تزویر در اختیار آن‌هاست، تقوای صرف هم کارساز نخواهد بود؛ لذا بایستی به همراه آن و با فراهم‌سازی دیگر مقدمات دریافت نصرت الهی، از معیت ویژه الهی هم بهره‌مند شد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، مترجم: محمدمهدی فولادوند، ج ۳، تهران: دار القرآن الکریم، ۱۴۱۵ق.
۱. آلوسی، محمود؛ *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*؛ به کوشش عبدالباری، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
 ۲. ابن بابویه، محمد بن علی؛ *من لا یحضره الفقیه*؛ به کوشش علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
 ۳. ابن عاشور، محمداطاهر؛ *تفسیر التحریر و التئویر*؛ بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.
 ۴. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ *لسان العرب*؛ به کوشش جمال الدین میردامادی، ج ۳، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
 ۵. ابوالفتح رازی، حسین بن علی؛ *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*؛ به کوشش محمدمهدی ناصح و محمدجعفر یاحقی، مشهد مقدس: آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
 ۶. پاینده، ابوالقاسم؛ *نهج الفصاحه*؛ ج ۴، تهران: دنیای دانش، ۱۳۶۳ ش.
 ۷. جصاص، احمد بن علی؛ *احکام القرآن*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
 ۸. جوادی آملی، عبدالله؛ *بیانات در تفسیر سوره صف*؛ تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۷.
 ۹. _____؛ *تفسیر تسنیم*؛ به کوشش سعید بندعلی، ج ۳، قم: اسراء، ۱۳۸۹ ش.
 ۱۰. _____؛ *تفسیر تسنیم*؛ به کوشش حسین شفیعی و عطاءالله میرزاده، قم: اسراء، ۱۳۹۴ ش.
 ۱۱. خامنه‌ای، علی؛ *بیان قرآن: (تفسیر سوره براءت)*؛ تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۶ ش.
 ۱۲. _____؛ *بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور*؛ تاریخ ۱۳۹۲/۰۸/۲۹.
 ۱۳. _____؛ *بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی*؛ تاریخ ۱۳۹۲/۰۹/۱۹.
 ۱۴. _____؛ *بیانات در دیدار اعضای «دفتر ادبیات و هنر مقاومت» حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی*؛ تاریخ ۱۳۷۱/۰۴/۲۲.
 ۱۵. _____؛ *بیانات در دیدار اعضای «دفتر ادبیات و هنر مقاومت» حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی*؛ تاریخ ۱۳۹۰/۰۳/۱۴.
 ۱۶. _____؛ *بیانات در جمع مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران*؛ تاریخ ۱۳۷۱/۰۵/۱۹.
 ۱۷. _____؛ *بیانات در دیدار مسئولان نظام*؛ تاریخ ۱۳۹۳/۰۴/۱۶.
 ۱۸. خسروپناه، عبدالحسین؛ *منظومه فکری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای*؛ تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶ ش.
 ۱۹. (امام) خمینی، سید روح الله؛ *صحیفه امام*؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، بی تا.
 ۲۰. حسینی بهشتی، محمد، محمدجواد باهنر و علی گلزاده غفوری؛ *شناخت اسلام*؛ ج ۲، تهران: بقعه، ۱۳۹۰ ش.
 ۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ *مفردات الفاظ القرآن*؛ به کوشش صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالقلم،

- ۱۴۱۲ق.
۲۲. رشیدرضا، محمد؛ *تفسیر المنار*؛ بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۴ق.
۲۳. رضی الدین استرآبادی، محمد بن حسن؛ *شرح شافیه ابن الحاجب*؛ بیروت: دارالکتاب العلمیه، بی تا.
۲۴. زمخشری، محمود؛ *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*؛ بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
۲۵. سبحانی تبریزی، جعفر؛ *سیمای اقتصاد اسلامی*؛ قم: مؤسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق (ع)، ۱۳۸۷ش.
۲۶. شرتونی، رشید؛ *مبایء العربیه فی الصرف و النحو*؛ قم: دارالعلم، ۱۴۲۹ق.
۲۷. صادقی تهرانی، محمد؛ *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة*؛ ج ۲، قم: فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ق.
۲۸. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی؛ *تفسیر الصافی*؛ به کوشش حسین اعلمی، ج ۲، تهران: مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ق.
۲۹. صدر، محمدباقر؛ *سنت های تاریخ در قرآن*؛ به کوشش جمال الدین موسوی اصفهانی، ج ۳، تهران: تفاهم، ۱۳۸۱ش.
۳۰. ضیاءآبادی، محمد؛ *کلام النور نور الکلام (تفسیر سوره توبه)*؛ تهران: مؤسسه بنیاد الزهراء، ۱۳۹۲ش.
۳۱. طباطبائی، محمدحسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ش.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن؛ *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*؛ ج ۳، تهران: انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش.
۳۳. طبرانی، سلیمان بن احمد؛ *التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم*؛ اردن: دارالکتاب الثقافی، ۲۰۰۸م.
۳۴. طبری، ابوجعفر، (۱۴۱۲ق)؛ *جامع البیان فی تفسیر القرآن*؛ بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
۳۵. طوسی، محمد، (بی تا)؛ *التبیان فی تفسیر القرآن*؛ به کوشش احمد قصیر عاملی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۳۶. عبدالباقی، محمد فؤاد؛ *المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم*؛ مصر: دار الکتب المصریه، ۱۳۶۴ش.
۳۷. عبدالسلام فرج، محمد؛ *الفریضة الغائبة*؛ قاهره: بی نا، ۱۹۸۱م.
۳۸. فخررازی، ابوعبدالله؛ *مفاتیح الغیب*؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۲ق.
۳۹. فضل الله، محمدحسین؛ *تفسیر من وحی القرآن*؛ ج ۲، بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹ق.
۴۰. قطب، سید؛ *فی ظلال القرآن*؛ ج ۳۵، بیروت: دار الشروق، ۱۴۱۲ق.
۴۱. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا؛ *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۴۲. لطفی، علی اکبر و فرمانیان، مهدی؛ «بررسی دیدگاه سلفیه جهادی در مسأله عدو قریب (حاکمان ممالک اسلامی)، با تأکید بر آیه ۱۲۳ سوره توبه»؛ مجله سلفی پژوهی، ش ۶، صص ۹۹-۱۱۴.
۴۳. مصباح یزدی، محمدتقی؛ *چکیده های از اندیشه های بنیادین اسلامی*؛ به کوشش حسینعلی عربی و محمد مهدی نادری قمی، ج ۶، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱ش (الف).
۴۴. _____؛ *نظریه سیاسی اسلام*؛ به کوشش کریم سبحانی، ج ۶، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی

- و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱ ش (ب).
۴۵. مصطفوی، حسن؛ *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۴۶. مطهری، مرتضی؛ *مجموعه آثار شهید مطهری: امدادهای غیبی در زندگی بشر - عدل الهی - نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر*؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۴ ش.
۴۷. مقاتل بن سلیمان؛ *تفسیر مقاتل بن سلیمان*؛ به کوشش عبدالله محمود شحاته، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۳ ق.
۴۸. مکارم شیرازی، ناصر؛ *تفسیر نمونه*؛ ج ۱۰، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ ش.
۴۹. نظام الأعرج، حسن بن محمد؛ *شرح النظام علی الشافیة*؛ به کوشش محمد زکی جعفری، قم: دار الحجة للثقافة، بی تا.
۵۰. واقدی، محمد بن عمر؛ *کتاب المغازی*؛ بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ ق.